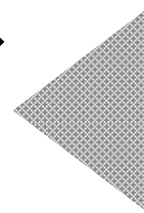


# تأمین عدالت و امکان استفاده برابر افراد جامعه از فرصت‌ها براساس بهبود توزیع درآمد<sup>۱</sup>



دکتر محمد لشکری<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۸۹/۸/۲۸ - تاریخ تصویب ۹۰/۲/۴)

## چکیده

عدالت یک مفهوم ارزشی است و در اقتصاد دستوری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. نظریه اقتصاد سرمایه‌داری، عدالت را دستاورد فعالان اقتصادی در صحنه بازار می‌داند. نظریه اقتصاد سوسیالیستی، عدالت را برابری افراد از تمام امکانات جامعه می‌داند. نظریه اقتصاد اسلامی، عدالت را ایجاد فرصت برابر برای همه افراد جامعه می‌داند؛ ولی برابری درآمد و ثروت را عادلانه نمی‌داند چون میزانی از نابرابری برای پویایی جامعه و انگیزش افراد در صحنه تولید لازم است. در اهمیت عدالت همین بس که در نظریه اقتصاد اسلامی تمام چیزها با ترازوی عدالت سنجیده می‌شود.

تمام کشورهایی که از عدالت نسبی برخوردارند، از مسیرهای متفاوتی عبور کرده‌اند؛ اما همه از یک سیستم صحیح آموزشی برخوردار بوده‌اند. ناتوانی سیستم‌های آموزشی برای حل مشکلات جامعه از اول ابتدایی تا پایان دانشگاه یکی از علل عمده بی‌عدالتی محسوب می‌شود. شاید بتوان ریشه بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را در سیستم آموزشی جستجو کرد. این مقاله در پی پیدا کردن راهکار نظری برای اجرای عدالت در تمام زمینه‌های اقتصادی است. هدف از این مطالعه ارایه راهکاری برای تأمین عدالت اقتصادی است. در این راستا هدف‌های فرعی زیر دنبال می‌شود:

۱- این مقاله از طرح پژوهشی با عنوان تأمین عدالت و امکان استفاده برابر افراد جامعه از فرصت‌ها براساس بهبود توزیع درآمد

که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه پیام نور، مرکز مشهد اجرا شده؛ استخراج گردیده است.

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، lashkarym@yahoo.com

ارایه راهکار برای توزیع عادلانه درآمد؛  
 ارایه راهکار برای توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی؛  
 ارایه راهکار برای توزیع عادلانه فرصت‌های بهداشتی، مسکن و اشتغال.  
 در این مطالعه فرضیه‌های زیر مدنظر بوده است:  
 برای اجرای عدالت اقتصادی بر اساس نظریه اقتصاد اسلامی؛ مهم‌ترین عامل، ایجاد فرصت‌های برابر است.

توزیع عادلانه درآمد و ثروت نیاز به توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و آموزشی دارد.  
 روش پژوهش حاضر توصیفی است. برای کشف علت ناعادلانه بودن از روش توصیفی برای تحلیل وضع موجود و مقایسه آن با نظریه اقتصاد اسلامی استفاده شده است. محدوده فعالیت‌های دولت اسلامی وسیع است، به گونه‌ای که دولت می‌تواند از ابزارهای مالیاتی وسیع‌تری در جهت کنترل آزادی‌های اقتصادی استفاده کند. از دیدگاه عدالت، مهم‌ترین وظیفه دولت وظیفه توزیعی می‌باشد، که سنگین است و به دو بعد سیاست‌های نظارتی و درآمدی تقسیم می‌شود.  
 برای تحقق اهداف پژوهش پیشنهاد می‌شود در خصوص اجرای عدالت اجتماعی لازم است ابتدا بین اندیشمندان و بعد بین قوای سه‌گانه مجریه، قضاییه و مقننه، وفاق منطقی ایجاد شود. زیرا تا زمانی که در مبانی نظری و مفهوم عملی عدالت، وحدت کلامی وجود نداشته باشد؛ اجرای آن با چالش‌های اساسی روبرو است.

**واژگان کلیدی:** عدالت، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، فعالیت اقتصادی، توزیع درآمد، توزیع ثروت.

## مقدمه

موضوع این پژوهش تأمین عدالت و امکان استفاده برابر افراد جامعه از فرصت‌ها بر اساس بهبود توزیع درآمد است. عدالت یک مفهوم ارزشی است و در اقتصاد دستوری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. نظریه اقتصاد سرمایه‌داری، عدالت را دستاورد فعالان اقتصادی در صحنه بازار می‌داند. نظریه اقتصاد سوسیالیستی، عدالت را برابری افراد از تمام امکانات جامعه می‌داند. نظریه اقتصاد اسلامی، عدالت را ایجاد فرصت برابر برای همه افراد جامعه می‌داند؛ ولی برابری درآمد و

ثروت را عادلانه نمی‌داند، چون میزانی از نابرابری برای پویایی جامعه و انگیزش افراد در صحنه تولید لازم است. در اهمیت عدالت همین بس که در نظریه اقتصاد اسلامی تمام چیزها با ترازوی عدالت سنجیده می‌شود.

تمام کشورهایی که از عدالت نسبی برخوردارند، از مسیرهای متفاوتی عبور کرده‌اند؛ اما همه از یک سیستم صحیح آموزشی برخوردار بوده‌اند. ناتوانی سیستم‌های آموزشی برای حل مشکلات جامعه از اول ابتدایی تا پایان دانشگاه، یکی از علل عمده بی‌عدالتی محسوب می‌شود. شاید بتوان ریشه بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را در سیستم آموزشی جستجو کرد.

در تفکر رشد سالاری اقتصادی، سه عامل ابزار کار، سرمایه و انسان عامل افزایش درآمد شخصی و اجتماعی محسوب می‌شوند. در این دیدگاه هر سه عامل به یک میزان اهمیت دارند. در نظریه اقتصاد اسلامی کار، منشأ تولید است و بقیه عوامل محصول نیروی کار هستند و لذا سهم نیروی انسانی از محصول نهایی، در اولویت قرار می‌گیرد.

«مطالعات اخیر نشان داده است که نظام‌های آموزشی اکثر کشورهای در حال توسعه به جای اینکه نابرابری‌های درآمدی را کاهش دهد، آن را افزایش داده است» (تودارو، ۱۳۶۷: ۵۰۶). دلیل اصلی این اثر معکوس آموزش رسمی در توزیع درآمد، وجود همبستگی مستقیم بین سطح آموزش فرد و سطح درآمد وی در طول زندگی است؛ این امر به ویژه برای کسانی که قادر به تکمیل تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی خود هستند، صادق است. تفاوت درآمد کسانی که تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی دارند و آن‌هایی که فقط بخشی از آموزش ابتدایی یا تمام آن را گذرانده‌اند، بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ درصد است. چون سطح درآمد به طور واضح منوط به سال‌های تحصیلات کامل است، لذا اگر تعداد دانش‌آموزان یا دانشجویانی که از طبقات متوسط و بالای درآمدی هستند، به تعداد نامتناسبی در نام‌نویسی دانشگاه‌ها و دوره متوسطه حضور داشته باشند، نابرابری‌های درآمدی تقویت می‌شود و فقر تداوم خواهد یافت. اگر به دلایل مالی و یا به دلایل دیگر، فقرا از دست یافتن به امکانات آموزشی متوسطه و دانشگاهی محروم شوند، در این صورت نظام آموزشی در واقع می‌تواند نابرابری را تداوم بخشد و حتی افزایش دهد (تودارو، ۱۳۶۷: ۵۰۶).

سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، دارای دو نوع بازده می‌باشد. بازده پولی یا درآمدی، و بازده غیرپولی یا غیردرآمدی. پژوهش‌های تجربی نشان داده که افرادی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند. در شرایط متعارف، درآمد بیشتری کسب می‌نمایند. بازده غیرپولی و غیردرآمدی

سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، اگر چه به سختی قابل اندازه‌گیری می‌باشند؛ لیکن از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (عمادزاده، ۱۳۷۲: ۲۳). این پژوهش به نابرابری آموزشی به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم در نابرابری درآمد، ثروت و امکانات می‌پردازد. عوامل متعدد دیگری در نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی دخالت دارند که به مهم‌ترین آنها اشاره خواهد شد. به این منظور با استفاده از نظریه اقتصاددانان و مکاتب مختلف اقتصادی و مقایسه آن‌ها با نظریه اقتصاد اسلامی به عنوان مکتبی که بیشترین دغدغه پیامبر(ص)، امامان و جانشینان آن‌ها اقامه عدالت بوده است، به ارایه راهکارهای اجرایی برای تأمین و بهبود عدالت اجتماعی و اقتصادی می‌پردازیم.

مقاله به صورت زیر سازمان‌دهی شده است. بیان مسأله در بخش اول و مبانی نظری در بخش دوم می‌آید. انواع معیارهای توزیع درآمد در بخش سوم بررسی می‌شود. در بخش چهارم نحوه اندازه‌گیری توزیع درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش پنجم تحلیل دیدگاه‌های مختلف در مورد رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد بررسی می‌شود. موضوع بخش ششم عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد است. در بخش هفتم نقش دولت در توزیع عادلانه درآمد و در بخش هشتم مقایسه بازدهی نیروی کار و توزیع درآمد، تجزیه و تحلیل می‌شود. عدالت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بخش نهم ارایه می‌شود. در بخش دهم، تأمین عدالت و امکان استفاده برابر افراد جامعه از فرصت‌ها بر اساس بهبود توزیع درآمد، بررسی می‌شود. ارایه راهکار برای توزیع عادلانه درآمد در بخش یازدهم و ارایه راهکار برای توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی در بخش دوازدهم ارایه می‌شود. ارایه راهکار برای توزیع عادلانه فرصت‌های بهداشتی، مسکن، اشتغال در بخش سیزدهم و آزمون فرضیه‌ها در بخش چهاردهم می‌آید. خلاصه و نتیجه‌گیری در بخش پانزدهم و پیشنهادات سیاستی در بخش شانزدهم می‌آید.

## ۱. بیان مسأله

در اسلام مهم‌ترین مسأله اجتماعی، عدالت است. جامعه ما که خواهان اجرای تعالیم اسلامی است، از توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها برخوردار نیست، به استناد حدیث شریف الملک یقی مع الکفر و لایقی مع الظلم؛ حکومت و ملک با کفر باقی می‌ماند ولی با ظلم باقی نمی‌ماند. عدالت یک اصل است و تمام چیزها با این معیار سنجیده می‌شوند، لذا باید راهکارهایی برای

اجرای عدالت در تمام زمینه‌ها پیدا کنیم. این مقاله در پی پیدا کردن راهکار نظری برای اجرای عدالت در تمام زمینه‌های اقتصادی است.

پژوهش حاضر به دنبال آن است تا پاسخ سئوالات زیر را بیابد:

۱- اجرای عدالت نیاز به چه لوازمی دارد؟

۲- آیا جامعه ما از ابزار لازم برای اجرای عدالت اجتماعی برخوردار است؟

۳- چرا عدالت در جامعه برقرار نمی‌شود؟

## ۲. مبانی نظری

راولز در نظریه عدالت، برداشتی از عدالت مطرح کرده و آن را "عدالت به مثابه انصاف" می‌خواند (راولز، ۱۳۸۳: ۱۱). مطابق عدالت به مثابه انصاف، معقول‌ترین اصول عدالت؛ اصولی هستند که افرادی که تحت شرایط منصفانه قرار دارند و در مورد آن‌ها توافق متقابل داشته باشند. بنابراین، عدالت به مثابه انصاف، نظریه عدالت را براساس ایده قرارداد اجتماعی بسط می‌دهد و اصولی را بیان می‌کند که مؤید برداشت کلی لیبرال از حقوق و آزادی‌های اساسی است، و فقط آن دسته از نابرابری‌ها در ثروت و درآمد را مجاز می‌شمارد که به نفع محروم‌ترین افراد باشد. به نظر وی نابرابری اقتصادی همیشه مذموم نیست و آنچه که ارزش ذاتی دارد، عدالت است و نه برابری، چرا که عدالت، برابری نیست و عدالت توزیعی یکی از جنبه‌های عدالت است (سن، ۱۳۸۶: ط).

راولز می‌گوید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، به دو شرط قابل قبول است؛ نخست آنکه نابرابری‌ها باید مختص به مناسبت و مقام‌هایی باشد که تحت شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها باب آن‌ها به روی همگان گشوده است و دوم این که نابرابری‌ها باید بیشترین منفعت را برای محروم‌ترین اعضای جامعه داشته باشد (سن، ۱۳۸۶: ی).

سن (۱۹۷۳) نظریه اقتصاد رفاه، بالاخص نظریه انتخاب اجتماعی را برای مطالعه نابرابری اقتصادی به خدمت می‌گیرد و یک بیان سیستمی از چارچوب مفهومی و مسایل عملی اندازه‌گیری نابرابری ارائه می‌دهد. سن در تجزیه و تحلیل خود، رویکردهای مختلف اندازه‌گیری نابرابری را مورد ارزیابی و نقد قرار می‌دهد و علت و معلول‌های نابرابری اقتصادی را شرح می‌دهد و نظریه‌هایی نظیر مطلوبیت‌گرایی را برای ارزیابی نابرابری رد می‌کند.

رضایی و لشکری، مهم‌ترین عامل توزیع نابرابر درآمد را توزیع نابرابر عوامل تولید می‌دانند. آن‌ها

پس از بررسی نظریه توزیع درآمد آیت‌الله صدر پیشنهاد می‌کنند برای عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد باید قبل از تولید، توزیع عادلانه عوامل تولید بین افراد، گروه‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی صورت گیرد (رضایی و لشکری، ۱۳۷۹: ۱۷۲). علاوه بر این مطلب، آن‌ها تأکید می‌کنند دولت اسلامی موظف است از طریق توزیع مقداری درآمد، شکاف درآمدی بین دهک‌های پایین و دهک‌های بالای درآمدی را کاهش دهد. عوامل تولید نتیجه کار و تلاش افراد است، بنابراین باید عادلانه توزیع شود و هر کس به اندازه استحقاق خود از آن‌ها بهره‌مند شود.

به نظر هندرسن و کوانت، تا این اواخر، اکثر اقتصاددانان بر این باور بودند که مقایسه میان افراد خارج از حوزه تحلیل‌های اقتصادی است. در نتیجه آن‌ها هیچ مطلبی درباره توزیع درآمد و عدالت نگفته‌اند و یا اگر گفته‌اند بسیار ناچیز است. به هر حال این برخورد اقتصاددانان در حال دگرگونی است و موضوعات توزیع درآمد و عدالت، آشکارا در تئوری اقتصاد مطرح می‌شود (هندرسن و کوانت، ۱۳۷۰: ۴۲۴).

کاتوزیان معتقد است که هیچ دستورالعمل سحرآسا یا اراده‌گرایانه‌ای وجود ندارد که از طریق جهان‌بینی‌های دولت‌گرایانه، بازار آزاد، یا هر طریق مشابه دیگر در زمینه رشد اقتصادی و عدالت معجزه کند؛ و نیز این که برای ارزیابی پیشرفت اقتصادی، ترازنامه تولیدی به مراتب گویاتر از میزان مصرف اجتماعی است، به ویژه آن که تماماً از تلاش‌های تولیدی جامعه نیز حاصل نشده باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۶۶). روشن است که پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی به امکانات و قابلیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور بستگی دارد؛ از جمله این که در عین حال که می‌توان این منابع را برای پیشرفت و رونق بیشتر به صورتی کارا مصرف کرد. واضح است که دولت یا بازار به تنهایی قادر به تأمین عدالت نیستند. چنانچه نگرش حاکم بر جامعه عدالت‌خواهانه باشد، بازار و دولت هر دو می‌توانند ابزار اجرای عدالت باشند.

کارایی اقتصادی، تنها یکی از اهداف اقتصادی است. از نظر اقتصادی کارایی یعنی ایجاد بیشینه منافع برای جامعه (توکلی، ۱۳۸۶: ۴۵). اقتصاد کارا لزوماً توزیع عادلانه ثروت و درآمد را به دنبال نخواهد داشت. اقتصاد می‌تواند کارا باشد، یعنی بیشترین تولید را با حداقل هزینه ایجاد کند ولی توزیع درآمد، ثروت و امکانات ناعادلانه باشد.

دادگر معتقد است مبادله محض - براساس بازار آزاد - ممکن است به نتایج کارآمد منجر گردد، اما مسأله کارایی تنها یک معیار از خوب بودن زندگی را پوشش می‌دهد (دادگر، ۱۳۸۶: ۲۲).

بنابراین بازار به خودی خود عدالت را برقرار نمی‌کند، بلکه لازمه اجرای عدالت، دخالت دولت در اقتصاد است.

به نظر فراهانی‌فرد، یکی از مشکلات نظام بازار آن است که رقابت به انگیزه شخصی و بدون توجه به ارزش‌های اخلاقی، فقر و نابرابری را می‌افزاید. در حقیقت بازار بی‌عدالتی می‌آفریند و دولت‌ها مجبور می‌شوند این نقیصه بازار را جبران کنند. هزینه جبران بی‌عدالتی‌های پدید آمده به وسیله بازار، بر دوش دولت سنگینی می‌کند و بر کسری بودجه آن می‌افزاید و دولت در دام استقراض داخلی و خارجی گرفتار می‌شود، دامی که دولت‌های رفاه در آن دست و پا می‌زنند (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۳: ۶).

آمارتیا سن معتقد است فقر، مثل گرما است؛ شما نمی‌توانید آن را ببینید، فقط می‌توانید آن را احساس کنید. بنابراین برای آن که فقر را لمس کنید، باید در متن آن قرار بگیرید. به رغم افزایش بی‌سابقه وفور و نعمات کلی در جهان، هنوز میلیون‌ها نفر در کشورهای غنی و فقیر از نعمت آزادی محرومند. حتی اگر آن‌ها به طور فیزیکی برده نباشند، از آزادی اساسی محروم هستند و به گونه‌ای در فقر اقتصادی، محرومیت اجتماعی، ظلم و ستم سیاسی و یا اقتدارگرایی فرهنگی باقی مانده‌اند (سن، ۱۳۸۲: ۶).

آیت‌الله صدر عدالت اقتصادی را از دو بعد مطرح می‌کند: ۱. توازن اجتماعی ۲. تکافل اجتماعی. توازن اجتماعی به معنای این است که دولت اسلامی با وضع مقررات قانونی و با ازدیاد ثروت عمومی و بی‌نیاز کردن افراد جامعه شرایطی فراهم نماید تا تمامی افراد بتوانند امکانات و موقعیت‌های سیاسی، اجتماع، فرهنگی، بهداشتی، شغلی و آموزشی موجود به صورت مساوی برخوردار شوند. تکافل اجتماعی مسئولیت اجتماعی هر مسلمان در برخورد با مشکلات عمومی جامعه است و تا فقر از بین نرفته است، بر تمام مسلمانان واجب است تا در رفع آن تلاش نمایند (صدر، ۱۳۵۸: ۳۳۱).

آیت‌الله مطهری عدالت را در اعطاء کل حق به ذی حق و رعایت استحقاق‌ها می‌داند (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۱). به نظر ایشان، عدالت اجتماعی به معنی رعایت مساوات در جعل قانون و در اجرای آن است، نه به معنی این که کاری بکنیم که همه افراد در یک سطح بمانند و در یک درجه از مواهب خلقت استفاده کنند... و کار را وظیفه همه بدانند نه فقط وظیفه فقرا، به عبارت دیگر عدالت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و رفع موانع

برای همه به طور یکسان (مطهری، ۱۳۶۰: ۳۱). واضح است که منظور از ارتباط فعالیت اقتصادی با عدالت اجتماعی این است که همه افراد کار کنند و از نتیجه فعالیت خود زندگی کنند، همان طور که گداپروزی و دادن پول به افراد بیکار و انگل که عذری برای بیکاری و فعالیت نکردن ندارند، دور از عدالت است. فعالیت غیراقتصادی کارفرمایانی که بدون هیچ فعالیتی فقط با استثمار کارگران ارتزاق می کنند نیز دور از عدالت است.

### ۳. انواع معیارهای توزیع درآمد

معیارهای مختلفی برای توزیع درآمد وجود دارد:

#### ۳-۱- توزیع درآمد شخصی

برای درک مفهوم درآمد شخصی از یک مثال استفاده می کنیم. فرض کنید فرد "الف" ۱۰۰۰ واحد و فرد "ب" ۸۰۰ واحد درآمد دارند. این توزیع درآمد صرفاً با اشخاص یا خانواده‌ها و کل درآمدی که آن‌ها دریافت می کنند، سر و کار دارد و طریقه کسب درآمد در نظر گرفته نمی شود. درآمد ممکن است تماماً از اشتغال ناشی شود یا از منابع دیگری نظیر بهره، سود، اجاره، هدیه و ارث کسب شود. اگر دو فرد "ج" و "د" درآمد سالانه شخصی برابری داشته باشند، هر دو در یک طبقه قرار می گیرند؛ صرف نظر از این که فرد "ج" ممکن است روزی ۱۶ ساعت کار کند و شخص "د" اصلاً کار نکند و بهره سرمایه‌اش را دریافت نماید.

#### ۳-۲- توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید

در این دیدگاه، مقیاس توزیع درآمد درصدی از درآمد ملی است که نیروی کار به عنوان دستمزد دریافت می کند؛ در مقایسه با درصدی از درآمد ملی که به شکل سود، اجاره یا بهره توزیع می شود. به عنوان مثال فرض کنید ۱۰۰۰ واحد درآمد به صورت زیر توزیع شده است. این ارقام فقط می توانند نشان دهند که سهم کارگران، سرمایه‌داران، زمین‌داران و وام‌دهندگان از تولید ملی چقدر است. چون تعداد هر طبقه مشخص نیست راجع به عادلانه بودن یا ناعادلانه بودن توزیع نمی توان اظهار نظر کرد.



### جدول (۱) - توزیع فرضی درآمد ملی بین عوامل تولید

سهم	بهره	اجاره	سود	دستمزد	جمع
ارقام مطلق	۱۵۰	۳۰۰	۳۵۰	۲۰۰	۱۰۰۰
درصد	۱۵	۳۰	۳۵	۲۰	۱۰۰

#### ۴. نحوه اندازه‌گیری توزیع درآمد

برای محاسبه توزیع درآمد روش‌های مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

##### منحنی لورنز<sup>۱</sup>

منحنی لورنز توزیع‌های درصد تجمعی درآمد خانوارها (روی محور عمودی) را متناسب با توزیع‌های درصد تجمعی تعداد خانوارها (روی محور افقی) رسم می‌کند که مطابق با درآمد خانوارها از پایین به بالا مرتب شده‌اند.

منحنی لورنز رابطه کمی واقعی بین درصد دریافت کنندگان درآمد و درصد کل درآمدی را که آنان در طول یک سال دریافت می‌دارند، نشان می‌دهد (تودارو، ۱۳۷۷: ۱۴۳).

##### تفسیر منحنی لورنز

هر چه منحنی لورنز از خط برابری کامل دورتر باشد، درجه نابرابری درآمد بیشتر و هر چه به آن نزدیک‌تر باشد، درجه نابرابری درآمد کم‌تر است.

##### ضریب جینی<sup>۲</sup>

آماردان ایتالیایی به نام جینی در سال ۱۹۱۲ میلادی با استفاده از منحنی لورنز، مقیاس ساده و خلاصه‌ای به نام ضریب جینی را معرفی کرد. از نظر هندسی، ضریب جینی برحسب منحنی لورنز بیان می‌شود.

برای هر درصد دریافت‌کننده درآمد، یک ضریب جینی به دست می‌آید. مجموع ضرایب جینی کل دریافت‌کنندگان درآمد یک مقیاس اندازه‌گیری نابرابری درآمد جامعه است. ضرایب جینی می‌تواند از صفر (برابری کامل) تا یک (نابرابری کامل) تغییر کند. ضریب جینی بیش از ۰/۵ ناعادلانه و بیش از ۰/۷۵ غیرقابل تحمل است و ممکن است به جنگ‌های داخلی و مشکلات

۱ - Lorenz Curve

۲ - Gini Coefficient

متعدد سیاسی منتهی شود.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: الملك يبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم؛ سرزمین (حکومت) با کفر باقی می ماند ولی با ظلم باقی نمی ماند.

کاد الفقر أن یكون کفرا؛ نزدیک بود فقرشان به کفر مبدل شود.

من لامعاش له لامعاد له؛ کسی که معاش ندارد، معاد ندارد.

ظلم که از حد بگذرد نه ایمان باقی می ماند و نه انصاف و هر اتفاقی ممکن است رخ دهد.

ضریب جینی بین ۰/۲ تا ۰/۳۵ نسبتاً عادلانه و قابل قبول است. ضریب جینی پایین، انگیزه های فعالیت را کاهش می دهد و ضریب جینی بالا، موجب حرکت های آشوب گرانه و تخریبی خواهد شد.

## ۵. تحلیل دیدگاه های مختلف در مورد رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد

در مورد اولویت رشد اقتصادی بر توزیع درآمد یا اولویت توزیع درآمد بر رشد اقتصادی، سه دیدگاه وجود دارد. از هر دیدگاه، تعداد زیادی از اقتصاددانان با استدلال دفاع می کنند.

در دیدگاه اول، رشد بر توزیع درآمد اولویت دارد. در دیدگاه دوم، توزیع درآمد بر رشد اولویت دارد و در دیدگاه سوم، هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند. اکنون به تحلیل هر کدام از این سه دیدگاه می پردازیم.

### دیدگاه اول: اولویت رشد اقتصادی بر توزیع درآمد

این دیدگاه معتقد است که توزیع بسیار نابرابر درآمد، شرط لازم برای رشد سریع اقتصادی است (تودارو، ۱۳۷۷: ۱۷۰). استدلال اقتصادی این نظریه این است که شرط لازم رشد اقتصادی نرخ بالای پس انداز است، برای افزایش نرخ پس انداز باید درآمد طبقات بالای اجتماعی افزایش یابد، چون ثروتمندان نیازهای اولیه خود را بر طرف نموده و با افزایش درآمد، میل نهایی به مصرف آن ها کاهش و میل نهایی به پس انداز افزایش می یابد. ثروتمندان درآمدهای اضافی را پس انداز می کنند و رشد اقتصادی تسریع می شود. این نظریه برای تقویت استدلال خود از اثرات رخنه به پایین استفاده می کند که به شرح آن می پردازیم.

## اثرات رخنه به پایین<sup>۱</sup>

اگر تولید یک جامعه افزایش یابد، در مراحل اولیه طبقات بالای جامعه از آن بهره‌مند می‌شوند. در مراحل بعدی اثرات مصرف این طبقات به طبقات پایین سرایت می‌کند و آن‌ها نیز از اثرات رشد تولید بهره‌مند می‌شوند. به اعتقاد نظریه پردازان این نظریه با افزایش درآمد ثروتمندان، اثرات رخنه به پایین رشد اقتصادی در مرحله بعد درآمد فقرا را هم زمان با افزایش تولید افزایش می‌دهد و از فشارهای تورمی جلوگیری می‌کند. در صورتی که فقرا نیازهای اشباع نشده دارند و با افزایش درآمد، تقاضای آن‌ها برای کالاهای مصرفی افزایش می‌یابد و چون عرضه بی‌کشش است، تنها قیمت‌ها بالا می‌رود.

این نظریه در عمل صحیح نیست، زیرا جامعه می‌تواند رشد داشته باشد ولی توزیع مناسب درآمد نداشته باشد و آثار رشد به طبقات پایین سرایت نکند.

## دیدگاه دوم: اولویت توزیع درآمد بر رشد اقتصادی

نظریه پردازان این دیدگاه با دیدگاه اول به چهار دلیل مخالفند و توزیع درآمد را نسبت به رشد اقتصادی در اولویت قرار می‌دهند. استدلال و دلایل آن‌ها به شرح زیر است:

۱. ثروتمندان کشورهای در حال گذر تمایلی به پس‌انداز و صرفه‌جویی ندارند. اغلب آن‌ها بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف خرید کالاهای لوکس وارداتی، خانه‌های بزرگ و بسیار گران‌قیمت، مسافرت به کشورهای دیگر، خرید جواهرات و طلا و مصرف کالاهای خدماتی که بیشتر جنبه تفاخری دارند، می‌نمایند. بنابراین افزایش درآمد این طبقه تأثیری بر تولید ملی ندارد.

۲. افزایش درآمد اندک فقرا سطح زندگی آن‌ها را از لحاظ تغذیه مناسب، بهداشت و آموزش، پایین نگه می‌دارد و لذا بهره‌وری اقتصادی آن‌ها را کاهش می‌دهد که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر کند شدن رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد؛ چون بار اصلی تولید را این قشر بر دوش می‌کشند.

۳. افزایش سطح درآمد طبقات پایین، تقاضا برای کالاهای ضروری نظیر غذا، پوشاک، مسکن، آب آشامیدنی سالم، آموزش و امنیت که عمدتاً در داخل تولید می‌شود را بالا می‌برد و این امر به دنبال خود اشتغال و تولید ملی را افزایش می‌دهد. در صورتی که کالاهای مورد تقاضای ثروتمندان، وارداتی بوده و موجب خروج ارز از کشور می‌شود و تولید ملی را کاهش می‌دهد.

۴. توزیع عادلانه درآمد از لحاظ روانی انگیزه نیرومندی برای افزایش نرخ مشارکت عموم مردم در فعالیتهای اقتصادی و همکاری با برنامه‌های توسعه اقتصادی ایجاد می‌کند. بی‌عدالتی عموم مردم و بالاخص اندیشمندان و آگاهان نوع دوست جامعه را علیه برنامه‌های اجرایی که موجب ظلم و شکاف طبقاتی شده، برمی‌انگیزاند. به طور خلاصه بر اساس دیدگاه دوم توزیع عادلانه درآمد شرط لازم رشد سریع اقتصادی است.

### دیدگاه سوم: هم زمانی رشد اقتصادی و توزیع درآمد

در این دیدگاه رشد سریع اقتصادی با توزیع عادلانه درآمد به عنوان اهداف اصلی توسعه سازگار نیستند و هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند. هدف اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی باید ایجاد الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی باشد، همگانی شدن جریان رشد اقتصادی، درآمد گروه‌های بسیار فقیر را هم زمان افزایش می‌دهد.

### ۶. عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

عوامل متعددی بر نابرابری توزیع درآمد مؤثرند. برخی از این عوامل نتیجه شرایط توارثی، ژنتیکی و تفاوت‌های فردی بین افراد مختلف جامعه است و برخی از این عوامل نتیجه سیاست‌های دولت و شرایط اجتماعی است. عوامل مؤثر بر توزیع درآمد را در دو بخش ۱. عوامل طبیعی؛ ۲. عوامل سیاسی طبقه‌بندی نموده و به توزیع هر کدام می‌پردازیم.

#### ۱. عوامل طبیعی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

بین افراد مختلف تفاوت‌های فردی، جسمی، روحی و وراثتی وجود دارد. چون افراد از لحاظ درجه هوش، توانایی‌های جسمی ذاتی، مسئولیت‌پذیری، صبر و تحمل در مقابل مشکلات، قناعت و سازگاری با محیط تفاوت دارند؛ لذا دو فرد با شرایط یکسان تحصیل و تجربه و سن، دریافتی

متفاوت دارند. کاهش این تفاوت‌ها بسیار مشکل بوده و در حوزه برنامه‌های توسعه نیست.

## ۲. عوامل سیاسی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

مسأله فقر و توزیع ناعادلانه درآمد، منشأ سیاسی و نهادی دارد. در کشورهای در حال گذر، عوامل جبری شامل انواع تبعیضات نظیر تفاوت در حقوق زن و مرد، عدم رعایت حقوق کودکان و زنان سرپرست خانوار، تفاوت بین حقوق کارگران داخلی و خارجی و تفاوت بین افراد وابسته به مراکز قدرت سیاسی و افراد عادی و عوامل تصادفی نظیر خوش‌شانسی یا بدشانسی در زمینه پیدا کردن شغل مناسب، ادامه تحصیل، ازدواج و استفاده از امکانات بر توزیع درآمد مؤثرند. به طور خلاصه عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد عبارتند از:

۱. توانایی‌های جسمی و فکری (درجه هوش، خلاقیت و قدرت جسمی)؛
۲. تعلیم و تربیت (آموزش رسمی و غیررسمی)؛
۳. سطح تحصیلات؛
۴. ارث؛
۵. تجربه و دوران اشتغال؛
۶. ریسک‌پذیری یا ریسک‌ناپذیری یا بی‌تفاوتی نسبت به ریسک؛
۷. ویژگی‌های فرهنگی، قومی و محلی؛
۸. عوامل جبری و تصادفی نظیر شانس.

## ۷. نقش دولت در توزیع عادلانه درآمد

بدون دخالت دولت، درآمد حاصل از رشد اقتصادی به طور نامتعادل توزیع می‌شود و در جامعه شکاف عمیق طبقاتی ایجاد می‌شود. یک گروه کوچک ممتاز از حداکثر امکانات بهره‌مند می‌شوند و جمع کثیری از افراد جامعه زیر خط فقر قرار می‌گیرند و از حداقل امکانات اولیه هم بهره‌مند نمی‌شوند؛ لذا دولت باید در امر توزیع درآمد، ثروت و فرصت‌های شغلی، آموزشی و بهداشتی دخالت نماید. دولت از چهار طریق می‌تواند بر توزیع درآمد تأثیر بگذارد:

### ۱.۷ دریافت مالیات مستقیم و غیرمستقیم از درآمدهای بالا

چون دولت‌ها برای اجرای برنامه‌های توسعه خود نیاز به منابع مالی دارند، این منابع مالی از طریق مالیات تأمین می‌شود. دریافت مالیات از درآمدهای بالا و از ثروتمندان، هم منبع درآمدی برای دولت است و هم درآمدهای بالا را تعدیل می‌کند و شکاف طبقاتی را کاهش می‌دهد. تودارو

معتقد است که نرخ‌های تصاعدی مالیات بر روی کاغذ تصاعدی و در عمل، اغلب نزولی است (تودارو، ۱۳۷۷: ۱۷۹). به این معنی که گروه‌های پایین درآمدی به طور نسبی سهم بالاتری از درآمد خود را نسبت به گروه‌های بالای درآمدی به عنوان مالیات می‌پردازند. چون گروه‌های پایین درآمدی، عمده درآمد خود را از دستمزد به دست می‌آورند که قطعاً دارای گزارش مالیاتی است ولی ثروتمندان، درآمد خود را از بازده سرمایه‌های مادی به دست می‌آورند که اغلب فاقد گزارش مالیاتی است. دولت‌های کشورهای در حال گذر باید قدرت نظارتی و کنترلی خود را بالا ببرند تا مالیات واقعاً به طبقات بالا تعلق گرفته و توزیع درآمد را متعادل نماید.

#### ۲.۷. پرداخت یارانه و تأمین نیازهای اساسی گروه‌های درآمدی پایین

اغلب گروه‌های درآمدی پایین، فاقد امکانات لازم برای برطرف کردن نیازهای اساسی نظیر مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، آموزش و امنیت هستند. به همین دلیل بازدهی آن‌ها و در نتیجه درآمد آن‌ها اندک است. دولت‌های کشورهای در حال گذر می‌توانند از درآمدهای مالیاتی خود، کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم به قشرهای پایین اجتماعی کنند تا آن‌ها نیازهای اولیه خود را برطرف نموده و بازدهی آن‌ها افزایش یابد. این امر موجب تعدیل درآمد می‌شود و گروه‌های پایین نیز از منافع حاصل از رشد اقتصادی بهره‌مند می‌شوند و توزیع درآمد تعدیل می‌شود.

#### ۳.۷. اصلاح نظام مالکیت، قوانین ارث و ایجاد اشتغال

دولت می‌تواند نظام مالکیت را از طریق اصلاحات ارضی و قوانین ارث را از طریق لایحه یا طرح در مجلس قانون‌گذاری تصحیح نماید و برای افراد مایل و قادر به کار، شغل مناسبی در بخش خصوصی یا دولتی ایجاد نماید. هر کدام از موارد فوق موجب تعدیل درآمد و ثروت به نفع طبقات پایین می‌شود.

#### ۴.۷. تغییر قیمت‌های نسبی عوامل

در کشورهای در حال گذر، قیمت تجهیزات سرمایه‌ای به طور نهادی مصنوعاً در سطح پایین قرار دارد (تودارو، ۱۳۷۳: ۱۷۶). دلیل پایین بودن قیمت سرمایه در این کشورها، سیاست‌های متعدد دولت نظیر ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری، معافیت مالیاتی، نرخ بهره کمک شده از طرف دولت، نرخ ارز بیش برآورد شده برای صادرات و نرخ ارز ارزان برای واردات و تعرفه پایین گمرکی بر واردات کالاهای سرمایه‌ای است.

از طرفی نرخ دستمزد نیروی کار در نتیجه محدودیت‌های نهادی و سیاست‌های ناصحیح، بالاتر از مقداری است که به وسیله عرضه و تقاضای کار تعیین می‌شود (تودارو، ۱۳۷۳: ۱۷۶). علت بالا بودن دستمزدها از دستمزدهای تعادلی، وجود قدرت اتحادیه‌های کارگری، حزب کار و نهادهای مختلف حامی کارگران است، لذا حداقل دستمزدها مصنوعاً بالا می‌باشد.

در این کشور نرخ بیکاری بالا است، ولی در عین حال دستمزدها نیز بالا می‌باشد. لشکری اشاره می‌کند که پرداخت دستمزدهای بالا و نرخ بالای بیکاری ابزاری است برای کنترل نیروی کار، چون همیشه سطح بالای بیکاری تهدیدی برای کارگران شاغل است (لشکری، ۱۳۸۴: ۱۶۵-۱۶۲). قیمت‌های تحریف شده سرمایه و کار موجب می‌شود تا کارفرمایان سرمایه را جانشین نیروی کار نمایند و همچنان سطح بیکاری را بالا نگه دارند. برای تصحیح قیمت‌های تحریف شده، پیشنهاد می‌شود دولت امتیازهای ویژه خود را به سرمایه بر طرف سازد تا قیمت سرمایه به سطح کمیابی واقعی آن افزایش یابد. پرداخت دستمزدهای پایین در بخش دولتی موجب می‌شود تا کارفرمایان در فعالیت‌های تولیدی خود کارگر را جانشین سرمایه کنند. چنین تغییر قیمتی سطح اشتغال را افزایش می‌دهد و درآمد فقرا را افزایش می‌دهد و چون قیمت نسبی سرمایه افزایش یافته، بازده اقتصادی سرمایه کاهش یافته و درآمدهای صاحبان سرمایه به طور نسبی کاهش می‌یابد. فرض بر این است که در هر اقتصادی قیمت عوامل تولید به عنوان علامت و انگیزه نهایی عمل می‌کند و تصحیح این قیمت‌ها نابرابری درآمدها را کاهش می‌دهد.

## ۸. مقایسه بازدهی نیروی کار و توزیع درآمد تجزیه و تحلیل

اگر بازدهی نیروی کار را حداکثر کنیم، توزیع درآمد نامتعادل خواهد شد. اگر توزیع مناسب شود، بازدهی نیروی کار کاهش یافته و باید حد متعادل بین توزیع درآمد و بازدهی را رعایت کنیم.

## ۹. عدالت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قرآن کریم و احکام اسلامی تدوین شده و در سراسر آن عدالت اجتماعی به عنوان معیار اصلی سنجش اعمال حکومت در نظر گرفته شده است. در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلمه عدالت آمده است. در سایر

اصول قانون اساسی به طور غیر مستقیم به عدالت اشاره شده است. اصول مرتبط با عدالت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: اصل ۶۱، اصل ۱۰۹، اصل ۱۲۱، اصل ۱۵۶، اصل ۱۷۰، اصل ۱۷۳ و اصل ۴۳. در مجموع قانون اساسی بر عدالت اجتماعی تأکید دارد و دولت را مکلف می‌کند که زمینه فعالیت اقتصادی را برای افراد فراهم کند تا مردم با فعالیت اقتصادی امکانات لازم برای زندگی آبرومند را برای خود فراهم کنند.

### ۱۰. تأمین عدالت و امکان استفاده برابر افراد جامعه از فرصت‌ها بر اساس بهبود توزیع درآمد

عدالت یک مفهوم ارزشی است و در اقتصاد دستوری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. نظریه اقتصاد سرمایه‌داری عدالت را دستاورد فعالان اقتصادی در صحنه بازار می‌داند. نظریه اقتصاد سوسیالیستی عدالت را برابری افراد از تمام امکانات جامعه می‌داند. نظریه اقتصاد اسلامی، عدالت را ایجاد فرصت برابر برای همه افراد جامعه می‌داند؛ ولی برابری درآمد و ثروت را عادلانه نمی‌داند چون میزانی از نابرابری برای پویایی جامعه و انگیزش افراد در صحنه تولید لازم است. تمام کشورهایایی که از عدالت نسبی برخوردارند از مسیرهای متفاوتی عبور کرده‌اند، اما همه از یک سیستم صحیح آموزشی برخوردار بوده‌اند. ناتوانی سیستم‌های آموزشی برای حل مشکلات جامعه از اول ابتدایی تا پایان دانشگاه یکی از علل عمده بی‌عدالتی محسوب می‌شود. شاید بتوان ریشه بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را در سیستم آموزشی جستجو کرد. مطالعات اخیر نشان داده است که نظام‌های آموزشی اکثر کشورهای در حال توسعه به جای اینکه نابرابری‌های درآمدی را کاهش دهند، آن را افزایش داده‌اند. بنابراین برای بهبود توزیع درآمد و ثروت باید امکانات آموزشی کشور به طور عادلانه توزیع شود. برای اجرای واقعی و فراگیر عدالت، سیاست‌ها باید مبتنی بر تأمین اهداف برابری فرصت‌ها، هماهنگی تمامی بخش‌های اقتصادی با اهداف عدالت‌خواهانه نظیر فقرزدایی، آموزش همگانی، رشد عدالت محور و فرهنگ‌سازی باشد. مطابق نظریه عدالت به مثابه انصاف، معقول‌ترین اصول عدالت اصولی هستند که افرادی که تحت شرایط منصفانه قرار دارند، در مورد آن‌ها توافق متقابل داشته باشند. بنابراین در نظریه عدالت به



مثابه انصاف فقط آن دسته از نابرابری‌ها در ثروت و درآمد مجاز شمرده می‌شوند که به نفع محروم‌ترین افراد باشد. نابرابری اقتصادی همیشه مذموم نیست و آنچه که ارزش ذاتی دارد، عدالت است و نه برابری، چرا که عدالت برابری نیست و عدالت توزیعی یکی از جنبه‌های عدالت است. راولز می‌گوید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به دو شرط قابل قبول است؛ نخست این که نابرابری‌ها باید مختص به مناصب و مقام‌هایی باشد که تحت شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها، باب آن‌ها به روی همگان گشوده است و دوم این که نابرابری‌ها باید بیشترین منفعت را برای محروم‌ترین اعضای جامعه داشته باشد.

برای اجرای عدالت اجتماعی از دیدگاه راولز، علاوه بر تأمین کالاهای اولیه باید اصول تعیین‌کننده توزیع منصفانه را تا حد امکان طوری بیان کنیم که بتوانیم برآورده شدن آن‌ها را به طور عمومی بررسی کنیم. همچنین باید به دنبال اصولی باشیم که به طرز معقولی ساده هستند و بنیان آن‌ها را می‌توان به گونه‌ای توضیح داد که شهروندان در پرتو ایده‌های موجود در فرهنگ سیاسی عمومی، قادر به درک آن‌ها باشند.

تمرکز اصلی جامعه باید بر برابری فرصت‌ها باشد تا برابری درآمدها، زیرا برابری درآمدها، نه ممکن و نه مطلوب است؛ اما برابری فرصت‌ها، امکان‌پذیر بوده و مورد قبول اغلب متفکران است. بخشی از نابرابری درآمدها و ثروت‌ها، ناشی از نابرابری فرصت‌ها است که با برابری فرصت‌ها، این بخش از نابرابری‌های درآمدی از بین می‌رود.

دولت اسلامی موظف است از طریق توزیع مقدراری درآمد، شکاف درآمدی بین دهک‌های پایین و دهک‌های بالای درآمدی را کاهش دهد. عوامل تولید، نتیجه کار و تلاش افراد است؛ بنابراین باید عادلانه توزیع شود و هر کس به اندازه استحقاق خود از آن‌ها بهره‌مند شود.

کمک‌های خیرخواهانه ثروتمندان به فقرا، صدقات، انفاق و امثال آن؛ مشکل نابرابری اقتصادی و توزیع ناعادلانه را حل نخواهد کرد. دولت باید مسأله فقر را با برنامه‌ریزی صحیح به نحوی حل کند که هیچ فردی از افراد جامعه برای تهیه نیازهای اساسی، دچار مشکل نشود.

تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی در جامعه از دیدگاه اسلام، بر اساس دو محور استوار است:

۱. همکاری همگانی (تکافل عام)؛

۲. توازن اجتماعی.

دولت اسلامی از این ابزارها باید در اجرای عدالت اجتماعی و ایجاد احساس عدالت استفاده

نماید.

تنها فعالیت اقتصادی است که موجب کاهش یا از بین بردن فقر، نابرابری و بیکاری می‌شود، زیرا بدون فعالیت اقتصادی؛ هیچ کدام از شاخص‌های فوق کاهش نمی‌یابد. باید ابتدا فعالیتی صورت گیرد، ثروتی تولید شود تا فقر کاهش یابد، اشتغال ایجاد شود و نابرابری کاهش یابد. از مجموع آیات و روایات می‌توان نتیجه گرفت که کار، منشأ اصلی تولید و مالکیت خصوصی و ضامن اجرای عدالت اقتصادی است. فعالیت اقتصادی موجب رشد اقتصادی برای فرد و جامعه می‌شود و در پرتو آن، عدالت نیز برقرار می‌گردد. در اموال تمام فعالان اقتصادی سهمی برای از کارافتادگان، در راه‌ماندگان و یتیمان هست که اگر به درستی پرداخت شود، فقر وجود نخواهد داشت.

یکی از روش‌های عادلانه کردن امکانات، پرداخت یارانه است و یارانه عبارت است از پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم دولتی، امتیاز اقتصادی یا اعطای ربحان ویژه‌ای که به مؤسسات خصوصی، خانوارها و دیگر واحدهای دولتی جهت دستیابی به اهداف مورد نظر دولت انجام پذیرد. ایجاد زمینه برای انجام فعالیت اقتصادی بر اساس توانمندی‌ها، زمینه رشد و شکوفایی و احساس عدالت را در افراد ایجاد می‌کند.

برخی از اقتصاددانان علت توزیع نابرابر درآمد را توزیع ناعادلانه ثروت و دارایی دانسته و پیشنهاد می‌کنند که برای از بین بردن نابرابری‌های درآمدی، باید توزیع عادلانه ثروت و دارایی انجام گیرد تا به دنبال آن توزیع درآمد عادلانه شود.

ضرایب جینی می‌تواند از صفر (برابری کامل) تا یک (نابرابری کامل) تغییر کند. ضریب جینی بیش از ۰/۵ ناعادلانه و بیش از ۰/۷۵ غیرقابل تحمل است و ممکن است به جنگ‌های داخلی و سقوط یک حکومت منتهی شود. لذا دولت باید دائم ضریب جینی را محاسبه و تلاش کند تا با سیاست‌های مناسب آن را کاهش دهد.

ثروتمندان کشورهای در حال گذر تمایلی به پس‌انداز و صرفه‌جویی ندارند. اغلب آن‌ها بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف خرید کالاهای لوکس وارداتی، خانه‌های بزرگ و بسیار گران‌قیمت، مسافرت به کشورهای دیگر، خرید جواهرات و طلا و مصرف کالاها و خدماتی می‌نمایند که بیشتر جنبه تفاخر دارد. بنابراین افزایش درآمد این طبقه، تأثیری بر تولید ملی ندارد. پس باید تلاش کنیم در آمد طبقات پایین را افزایش دهیم؛ زیرا افزایش درآمد فقرا، سطح زندگی

آن‌ها را از لحاظ تغذیه مناسب، بهداشت و آموزش افزایش می‌دهد و موجب افزایش بهره‌وری اقتصادی آن‌ها می‌شود که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر سرعت رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد؛ چون بار اصلی تولید را این قشر بر دوش می‌کشند. همچنین افزایش سطح درآمد طبقات پایین، تقاضا برای کالاهای ضروری نظیر غذا، پوشاک، مسکن، آب آشامیدنی سالم، آموزش و امنیت که عمدتاً در داخل تولید می‌شود را بالا می‌برد و این امر به دنبال خود، اشتغال و تولید ملی را افزایش می‌دهد. در صورتی که کالاهای مورد تقاضای ثروتمندان وارداتی بوده و موجب خروج ارز از کشور می‌شود و تولید ملی را کاهش می‌دهد.

توزیع عادلانه درآمد از لحاظ روانی انگیزه نیرومندی برای افزایش نرخ مشارکت عموم مردم در فعالیت‌های اقتصادی و همکاری با برنامه‌های توسعه اقتصادی ایجاد می‌کند. بی‌عدالتی عموم مردم و بالاخص اندیشمندان و آگاهان جامعه را علیه برنامه‌های اجرایی که موجب ظلم و شکاف طبقاتی شده، برمی‌انگیزاند. توزیع عادلانه درآمد، شرط لازم رشد سریع اقتصادی است.

بدون دخالت دولت، درآمد حاصل از رشد اقتصادی به طور نامتعادل توزیع می‌شود و در جامعه شکاف عمیق طبقاتی ایجاد می‌شود و یک گروه کوچک ممتاز از حداکثر امکانات بهره‌مند می‌شوند و جمع کثیری از افراد جامعه زیر خط فقر قرار می‌گیرند و از حداقل امکانات اولیه هم بهره‌مند نمی‌شوند؛ لذا دولت باید در امر توزیع درآمد، ثروت و فرصت‌های شغلی، آموزشی و بهداشتی دخالت نماید.

دولت با دریافت مالیات مستقیم و غیرمستقیم از درآمدهای بالا و پرداخت یارانه به درآمدهای پایین، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. اگر یارانه کفایت نکند، دولت باید نیازهای اساسی گروه‌های درآمندی پایین را تأمین نماید. دولت می‌تواند نظام مالکیت را از طریق اصلاحات ارضی و قوانین ارث را از طریق لایحه یا طرح در مجلس، تصحیح نماید و برای افراد مایل و قادر به کار، شغل مناسبی در بخش خصوصی یا دولتی ایجاد نماید. برای تصحیح قیمت‌های تحریف شده پیشنهاد می‌شود دولت امتیازهای ویژه خود را به سرمایه بر طرف سازد تا قیمت سرمایه به سطح کمیابی واقعی آن افزایش یابد.

یکی از مهم‌ترین نهادهای اجرای عدالت، قوه قضاییه است. این قوه توانایی زیادی برای اجرای عدالت دارد و بدون همکاری این قوه، عدالت در جامعه اجرا نخواهد شد. بنابراین ما نیازمند قوه قضاییه قوی، مستقل و کارآمد هستیم.

در مجموع قانون اساسی بر عدالت اجتماعی تأکید دارد و دولت را مکلف می‌کند که زمینه فعالیت اقتصادی را برای افراد فراهم کند تا مردم با فعالیت اقتصادی، امکانات لازم برای زندگی آبرومند را برای خود فراهم کنند. متأسفانه در جامعه ما هر دولتی فقط بخشی از قانون اساسی را انتخاب و اجرا می‌کند، در حالی که اجرای قانون اساسی به طور کامل می‌تواند عدالت اجتماعی را برقرار کند.

قوانین توزیعی اسلام در راستای اصلاح بازار سرمایه مالی، تعدیل بازار سرمایه فیزیکی و تقویت بازار سرمایه انسانی است. در راستای تعدیل بازار سرمایه نقدی (مالی)، اسلام با تحریم ربا و ... وارد عرصه شده است، و جهت تقویت بازار سرمایه انسانی، اسلام برگسترش روابط حقوقی کار و دستمزد عادلانه تأکید دارد. ماهیت تشریحی بسیاری از احکام اسلامی مثل تحریم اسراف، منع کنز و احکام ارث در جهت هماهنگی بازارهای سرمایه‌ای فوق و ایجاد توازن است. علاوه بر سه اقدام فوق در مرحله چهارم، اسلام با وضع احکامی به نفع فقرا و محرومان؛ دست دولت را در دخالت در اقتصاد و کمک به اقشار آسیب‌پذیر از طریق گرفتن مالیات‌های مختلف از ثروتمندان و پرداخت به محرومان و یا پرداخت‌های انتقالی به فقرا باز گذاشته است. با تدابیر اسلام، رقابت افراد و گروه‌هایی که در بازارهای سرمایه‌ای فوق عمل می‌کنند، تبدیل به رقابت عادلانه در کسب درآمد می‌شود.

والی مسلمانان و دولتمردان حکومت به عنوان مجریان عدالت، باید اصلاح را از خود آغاز کنند، و به موارد زیر توجه داشته باشند: عدم اجازه جمع‌آوری مال، لزوم هم سطحی زندگی حاکم با ضعیف‌ترین فرد جامعه، عدم طرف‌داری از نزدیکان، عدم قبول هدیه، کنار نگه داشتن خود از مالکیت و ... (حکیمی، ۱۳۸۰: ۴۷۴-۴۶۸).

پیامبر اسلام (ص) در حدیثی، شیوع فقر را در مردم سبب کفر آنان دانسته، و مقصر اصلی در این رابطه را حکومت اسلامی معرفی می‌نماید (حکیمی، ۱۳۶۹: ۴۴). به طور کلی نظر اسلام به فقر، نظری ریشه‌ای و معطوف به از بین بردن علل فردی، جمعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی فقر است که غیر از علل فردی، نقش دولت در سایر علل واضح است. مبارزه با انحصار، نبرد با احتکار، نظارت بر نرخ‌گذاری عادلانه و جلوگیری از گران‌فروشی، عوامل مهم اجرای عدالت اجتماعی هستند.

علاوه بر افزایش رفاه مطلق طبقات پایین، باید توازن سطح زندگی نیز مورد توجه قرار گیرد، به

طوری که در کنار رفع فقر مطلق، رفع فقر نسبی نیز لازم می‌باشد. حتی در جامعه آرمانی تساوی درآمدی و مصرفی بین افراد برقرار است، و غایت نظام اقتصادی و اصل نهایی مساوات است. محدوده فعالیت‌های دولت وسیع است، به گونه‌ای که دولت می‌تواند از ابزارهای مالیاتی وسیع‌تری در جهت کنترل آزادی‌های اقتصادی استفاده کند. از دیدگاه عدالت، مهم‌ترین وظیفه دولت، وظیفه توزیعی می‌باشد که سنگین است و به دو بعد سیاست‌های نظارتی و درآمدی تقسیم می‌شود.

### ۱۱. ارایه راهکار برای توزیع عادلانه درآمد

معمولاً درآمد افراد از شغل آن‌ها کسب می‌شود، بنابراین برای ایجاد درآمد باید اشتغال ایجاد کرد و برای توزیع عادلانه درآمد، باید توزیع اشتغال عادلانه باشد. دستیابی به مشاغل دولتی بسیار مشکل است و برداشت عمومی این است که این مشاغل مربوط به از ما بهتران است. دولت اسلامی و مدعی عدالت، باید با عملکرد خود نگاه جامعه را تغییر دهد. مشاغل دولتی باید به شیوه عادلانه بین اقلیت‌های قومی و مذهبی و اکثریت‌های قومی و مذهبی به نسبت جمعیت آن‌ها توزیع شود. جذابیت مشاغل خصوصی و دستیابی به آن‌ها و امنیت شغلی در آن‌ها از نظر بیمه تأمین اجتماعی باید آن قدر بالا باشد تا افراد در شرایط یکسان در انتخاب بین شغل دولتی و شغل خصوصی اشتغال در بخش خصوصی را ترجیح دهند.

### ۱۲. ارایه راهکار برای توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی

در جامعه دو قطب آموزشی وجود دارد. مدارس انتفاعی که به غلط غیرانتفاعی نامیده می‌شود و مدارس دولتی. مدارس غیردولتی با گرفتن شهریه و با پرداخت پول بیشتر و یا ارتباطات ناسالم، امکانات آموزشی بیشتری برای دانش‌آموزان خود فراهم می‌کنند؛ ولی مدارس دولتی با حداقل امکانات و معلمانی که اغلب انگیزه تدریس ندارند، دانش‌آموزانی تربیت می‌کنند که باید با دانش‌آموزان غیردولتی در کنکور و سایر مسابقات رقابت کنند. جامعه باید با استفاده از درآمدهای نفتی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی تا پایان دوره متوسطه امکانات آموزشی یکسانی را برای تمام افراد واجد شرایط فراهم نماید. مزایای معلمانی که در مناطق محروم‌تر تدریس می‌کنند را آن قدر بالا ببرند تا بهترین معلم‌ها برای رفتن به این مناطق، رقابت کنند. علاوه بر آن نظارت مستمر لازم است تا کیفیت آموزشی مناطق محروم، کمتر از مناطق برخوردار

نباشد.

### ۱۳. ارایه راهکار برای توزیع عادلانه فرصت‌های بهداشتی، مسکن و اشتغال

در کشورهای اسکاندیناوی نظیر سوئد که ادعایی مبنی بر عدالت اسلامی وجود ندارد، حداقل امکانات آموزشی، بهداشتی و امنیتی لازم برای حیات اجتماعی خود برخوردارند. چرا جامعه ما با این همه امکانات و درآمدهای فراوان نفتی و غیرنفتی، وضعیتی غیر قابل قبول دارد. ایجاد اشتغال، فراهم کردن مسکن و امکانات آموزشی و بهداشتی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده دولت است و دولت باید با برنامه‌ریزی و فراخوان عمومی برای کمک کارشناسی و فکری از تمام افراد و نهادهای اجتماعی با هر نوع گرایشی استمداد و کمک بخواهد. دولت در کشور ما قیم مردم است و در تمام شئون زندگی مردم دخالت دارد. برای توزیع عادلانه فرصت‌های بهداشتی، مسکن و اشتغال، دولت باید زمینه‌ساز فعالیت‌های مردمی باشد و تسهیلات را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد تا بخش خصوصی روی پای خود بایستد. برای توزیع عادلانه اشتغال، دولت باید از طریق آزمون و مصاحبه تخصصی، افراد را به کار بگیرد. در بخش خصوصی باید آن قدر جذابیت ایجاد شود تا فارغ‌التحصیلان، کار و اشتغال در بخش خصوصی، خود اشتغالی و سایر مشاغل غیردولتی را بر اشتغال دولتی ترجیح دهند. برای توزیع عادلانه مسکن باید برای زوج‌های جوان مسکن کوچک و کم‌هزینه ایجاد و به صورت اجاره به شرط تملیک واگذار شود و یا به صورت اجاره ارزان قیمت ۵ ساله در اختیار زوج‌های جوان باشد و بعد به زوج دیگری واگذار شود. برای مسکن بزرگ‌تر و بهتر، افراد باید بیشتر تلاش و بیشتر پس‌انداز کنند. دولت می‌تواند زمینه تلاش و راه‌های جذب پس‌انداز را فراهم نماید.

### ۱۴. آزمون فرضیه‌ها

در این مطالعه فرضیه‌های زیر مدنظر بوده است:

۱. برای اجرای عدالت اقتصادی بر اساس نظریه اقتصاد اسلامی، مهم‌ترین عامل ایجاد فرصت‌های برابر است.

۲. توزیع عادلانه در آمد و ثروت، نیاز به توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و آموزشی دارد.

با توجه به مجموع ادبیات موجود، هر دو فرضیه تأیید می‌شود. زیرا در اقتصاد اسلامی مهم‌ترین عامل اجرای عدالت اقتصادی، ایجاد فرصت‌های برابر است. در جامعه ما فرصت‌ها نابرابر توزیع

شده و روند نابرابری ادامه دارد. تنها راه اجرای عدالت ایجاد فرصت‌های برابر است.

## ۱۵. خلاصه و نتیجه‌گیری

عدالت نه تنها یکی از حقوق اولیه و اصلی انسان است، بلکه جزء اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز هست و در صورتی که برنامه‌ریزی توسعه در جهت تحقق عدالت اجتماعی به شایستگی انجام پذیرد، می‌تواند رشد اقتصادی بالا به همراه توزیع عادلانه ثروت و درآمد را به دنبال داشته باشد.

مطابق نظریه عدالت به مثابه انصاف، معقول‌ترین اصول عدالت، اصولی هستند که افرادی که تحت شرایط منصفانه قرار دارند، در مورد آن‌ها توافق متقابل داشته باشند. تعیین شرایط منصفانه همکاری اجتماعی، برداشتی سیاسی از عدالت است. این شرایط حقوق و تکالیف اساسی مختص به نهادهای سیاسی و اجتماعی اصلی را تعیین می‌کنند و تقسیم منافع حاصل از همکاری اجتماعی را تنظیم و مسئولیت‌های لازم برای حفظ آن را معین می‌سازند. نقش اصول عدالت در مقام برداشت سیاسی از عدالت، تعیین شرایط منصفانه همکاری اجتماعی است. این اصول، حقوق و تکالیف اساسی مختص به نهادهای سیاسی و اجتماعی اصلی را تعیین می‌کنند، و تقسیم منافع حاصل از همکاری اجتماعی را تنظیم و مسئولیت‌های لازم برای حفظ آن را معین می‌سازند. چون در جامعه دموکراتیک، شهروندان مطابق این برداشت سیاسی، اشخاصی آزاد و برابر به شمار می‌روند، اصول برداشتی دموکراتیک از عدالت را می‌توان تعیین‌کننده شرایط منصفانه همکاری میان چنین شهروندانی دانست.

در اسلام، کار مبنای مالکیت و حقوق مالکانه می‌باشد، اما با توجه به تفاوت‌های فردی؛ برخی از افراد قادر به تأمین نیازهای اولیه خود نیستند. چون تمامی افراد نمی‌توانند از طریق کار نیازهای اولیه خود را بر طرف کنند، لذا بر دولت اسلامی است که نیازهای اولیه را برای تمام افراد جامعه که امکان تأمین آن را ندارند، تأمین نماید.

عدالت در اسلام (در نگرش قرآن و روایات) در سلسله علل احکام الهی قرار دارد. فعالیت اقتصادی و عدالت اجتماعی در قرآن کریم مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. از مجموع آیات و روایات می‌توان نتیجه گرفت که کار منشأ اصلی تولید و مالکیت خصوصی و ضامن اجرای عدالت اقتصادی است. فعالیت اقتصادی موجب رشد اقتصادی برای فرد و جامعه می‌شود و در پرتو آن عدالت نیز برقرار می‌گردد. در اموال تمام فعالان اقتصادی سهمی برای از کارافتادگان،

در راه‌ماندگان و یتیمان هست که اگر به درستی پرداخت شود، فقر وجود نخواهد داشت. وقتی از توزیع عادلانه صحبت می‌کنیم، منظور توزیع همه امکانات از جمله منزلت‌های اجتماعی، تعداد سینماها، فرهنگسراها، مطبوعات، کتابخانه‌ها، کتابفروشی‌ها، مسکن، موزه، پوشش صدا و سیما، پوشش تلفن ثابت و همراه، سوادآموزی، قدرت و انتخاب سیاسی، بهداشت و درمان، اطلاعات و ارتباطات، اشتغال، خودباوری، اعتماد به نفس و ثروت است. اگر تمام امکانات یاد شده به طور عادلانه توزیع شود و برای همگان فرصت مناسب برای استفاده از امکانات فرهنگی فراهم شود، توزیع درآمد بهبود خواهد یافت.

در تحلیل گسترده از عدالت اجتماعی، فقر نه صرفاً به صورت پایین بودن درآمد که به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب، عدالت اجتماعی در مفهوم گسترده‌تر خود، نه تنها مستلزم حذف فقر درآمندی و بهبود توزیع درآمد به عنوان ملاحظات ابزاری است، بلکه گسترش قابلیت‌ها و توانمندی‌های انسانی را نیز از طریق گسترش آزادی‌های فردی و فرصت‌های اجتماعی برابر به عنوان ملاحظات اساسی مد نظر قرار می‌دهد. ایجاد زمینه برای انجام فعالیت اقتصادی بر اساس توانمندی‌ها، زمینه رشد و شکوفایی و احساس عدالت را در افراد ایجاد می‌کند.

اخلاق و عدالت را با زور حکومتی مداخله دولت در حریم آزادی‌ها و حقوق فردی نمی‌توان ایجاد کرد. رفتار اخلاقی تنها برای انسان‌های آزاد، دارای استقلال رأی و با مسئولیت فردی قابل تصور است. نیکوکاری اجباری و یا نیکوکاری به هزینه دیگران از طریق اعمال قدرت حکومتی، فاقد ارزش اخلاقی است. افراد جامعه‌ای که بر اساس عدالت بنا شده و حکومت آن جامعه از ابزارهای قدرت صرفاً برای احقاق حق و اجرای عدالت استفاده می‌کند، عدالت را با تمام وجود احساس می‌کنند. خیرخواهی، انفاق و کمک به دیگران، آزادانه و آگاهانه صورت می‌گیرد.

محدوده فعالیت‌های دولت اسلامی وسیع است، به گونه‌ای که دولت می‌تواند از ابزارهای مالیاتی وسیع‌تری در جهت کنترل آزادی‌های اقتصادی استفاده کند. از دیدگاه عدالت، مهم‌ترین وظیفه دولت وظیفه توزیعی می‌باشد که سنگین است و به دو بعد سیاست‌های نظارتی و درآمدی تقسیم می‌شود.



## ۱۶. پیشنهادات سیاستی

برای تحقق اهداف پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. فعالیت تولیدی هر فعال اقتصادی (اعم از کارفرما و کارگر)، با توجه به ویژگی‌هایی که انسان اقتصادی دارد؛ با هدف حداکثر کردن منافع صورت می‌گیرد. لذا برای اجرای عدالت اجتماعی باید جامعه احساس نماید که با برقراری عدالت، منافع اجتماعی و در بسیاری از موارد منافع فردی تأمین می‌شود.
۲. برای ایجاد همکاری همگانی (تکافل عام) در زمینه اجرای عدالت اجتماعی نیاز به کار فرهنگی عمیق، دور از شعارزدگی و از ابتدای دوران تحصیل ابتدایی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی دوران کودکی است.
۳. برای ایجاد توازن اجتماعی دولت اسلامی در کنار ابزار حکومتی و قدرت می‌بایست از ابزار ارشادی و تأمین امنیت برای مشارکت‌کنندگان در توازن اجتماعی استفاده نماید.
۴. برای تأمین عدالت اجتماعی به جای انواع کمک‌های بلاعوض، و تأمین نیازهای اساسی مردم، ایجاد شرایط برابر فعالیت اقتصادی برای تمام افراد جامعه، موجب سرعت بخشیدن بر اجرای عدالت می‌شود و در افراد جامعه اعتماد به نفس و عزت نفس را تقویت می‌کند.
۵. در خصوص اجرای عدالت اجتماعی لازم است ابتدا بین اندیشمندان و بعد بین قوای سه‌گانه مجریه، قضائیه و مقننه، وفاق منطقی ایجاد شود. زیرا تا زمانی که در مبانی نظری و مفهوم عملی عدالت، وحدت کلامی وجود نداشته باشد اجرای آن با چالش‌های اساسی روبرو است.
۶. معمولاً درآمد افراد از شغل آن‌ها کسب می‌شود بنابراین برای ایجاد درآمد باید اشتغال ایجاد کرد و برای توزیع عادلانه درآمد باید توزیع اشتغال عادلانه باشد. دستیابی به مشاغل دولتی بسیار مشکل است و برداشت عمومی این است که این مشاغل مربوط به از ما بهتران است. دولت اسلامی و مدعی عدالت با عملکرد خود باید نگاه جامعه را تغییر دهد. مشاغل دولتی باید به شیوه عادلانه بین اقلیت‌های قومی و مذهبی و اکثریت‌های قومی و مذهبی به نسبت جمعیت آن‌ها توزیع شود. جذابیت مشاغل خصوصی و دستیابی به آن‌ها و امنیت شغلی در آن‌ها از نظر بیمه تأمین اجتماعی باید آن قدر بالا باشد تا افراد در شرایط یکسان در انتخاب بین شغل دولتی و شغل خصوصی، اشتغال در بخش خصوصی را ترجیح دهند.

۷. در جامعه دو قطب آموزشی وجود دارد. مدارس انتفاعی که به غلط غیرانتفاعی نامیده می‌شود و مدارس دولتی. مدارس غیردولتی با گرفتن شهریه و با پرداخت پول بیشتر و یا ارتباطات ناسالم، امکانات آموزشی بیشتری برای دانش‌آموزان خود فراهم می‌کنند؛ ولی مدارس دولتی با حداقل امکانات و معلمانی که اغلب انگیزه تدریس ندارند، دانش‌آموزانی تربیت می‌کنند که باید با دانش‌آموزان غیردولتی در کنکور و سایر مسابقات رقابت کنند. جامعه باید با استفاده از درآمدهای نفتی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی تا پایان دوره متوسطه امکانات آموزشی یکسانی را برای تمام افراد واجد شرایط فراهم نماید. مزایای معلمانی که در مناطق محروم‌تر - چه در شهر و چه در روستا - تدریس می‌کنند را آن قدر بالا ببرند تا بهترین معلم‌ها در رفتن به مناطق محروم‌تر رقابت کنند. علاوه بر آن نظارت مستمر لازم است تا کیفیت آموزشی مناطق محروم، کمتر از مناطق برخوردار نباشد.
۸. ایجاد اشتغال، فراهم کردن مسکن و امکانات آموزشی و بهداشتی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده دولت است و دولت باید با برنامه‌ریزی و فراخوان عمومی برای کمک کارشناسی و فکری از تمام افراد و نهادهای اجتماعی با هر نوع گرایش استمداد و کمک بخواهد.
۹. برای توزیع عادلانه فرصت‌های بهداشتی، مسکن و اشتغال، دولت باید زمینه‌ساز فعالیت‌های مردمی باشد و تسهیلات را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد تا بخش خصوصی روی پای خود بایستد.
۱۰. برای توزیع عادلانه اشتغال، دولت باید در بخش دولتی از طریق آزمون و مصاحبه تخصصی افراد را به کار بگیرد. در بخش خصوصی باید آن قدر جذابیت ایجاد شود تا فارغ‌التحصیلان، کار و اشتغال در بخش خصوصی، خود اشتغالی و سایر مشاغل غیردولتی را بر اشتغال دولتی ترجیح دهند.
۱۱. برای توزیع عادلانه مسکن باید برای زوج‌های جوان مسکن کوچک و کم‌هزینه ایجاد و به صورت اجاره به شرط تملیک واگذار شود و یا به صورت اجاره ارزان‌قیمت، ۵ سال در اختیار زوج‌های جوان باشد و بعد به زوج دیگری واگذار شود. برای مسکن بزرگ‌تر و بهتر، افراد باید بیشتر تلاش و بیشتر پس‌انداز کنند. در این راستا لازم است دولت زمینه تلاش و راه‌های جذب پس‌انداز را فراهم نماید.

## منابع

- پژوهشگران، جمشید (۱۳۷۲)، **اقتصاد بخش عمومی**، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد دوم، چاپ سوم، سازمان برنامه و بودجه.
- توکلی، احمد (۱۳۸۶)، **مالیه عمومی**، چاپ هفتم، انتشارات سمت.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰ ب)، **الحیاه**، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد ۶، اول.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۶۹)، **گزارشی درباره الحیاه**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سوم.
- خرمی، فرهاد (۱۳۷۵)، **تحلیلی از نظریه فقرزدایی اسلامی و نظریه‌های فقرزدایی آنکلساکسون**، مقاله‌ای ارائه شده در گرد همایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، دوم.
- دادگر، یدالله (۱۳۷۸)، **نگرشی بر اقتصاد اسلامی معرفت‌ها، ارزش‌ها و روش‌ها**، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۶)، **مالیه عمومی و اقتصاد دولت**، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- راولز، جان (۱۳۸۵)، **عدالت به مثابه انصاف**، ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس.
- رضایی، مهین و محمد لشکری (۱۳۷۹)، **توزیع درآمد بین عوامل تولید، اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۱۶۲-۱۶۱، صص ۱۸۱-۱۷۲.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۲)، **توسعه به مثابه آزادی**، ترجمه وحید محمودی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۶)، **نابرابری اقتصادی**، ترجمه وحید محمودی و عزت‌الله عباسیان، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۸)، **اقتصاد ما**، ترجمه موسوی بجنوردی، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- الصدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۸ ق)، **اقتصادنا**، بیروت، چاپ بیستم، دارالتعارف.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، **مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران**، تهران: نشرنی.
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۳)، «سرمقاله»، **مجله تخصصی اقتصاد اسلامی**، شماره ۱۵، صص ۶-۷.
- فیضی، کریم (۱۳۸۱)، **فیلسوف عدالت**، قم: انتشارات تهذیب، اول.
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۰)، **اقتصاد رشد و توسعه**، جلد ۱ و ۲، تهران: نشرنی.
- کلاتری، عیسی (۱۳۷۲)، «سرمایه انسانی و توسعه»، **فصلنامه پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه**، وزارت کشاورزی، شماره ۱.
- لشکری، محمد و رضائی، مهین (۱۳۷۹)، «مقایسه توزیع درآمد بین عوامل تولید در نظریه سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی»، **مجموعه مقالات اولین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی**؛ پژوهشکده اقتصاد

- دانشگاه تربیت مدرس.
- لشکری، محمد (۱۳۷۶)، «جمعیت، توسعه و آثار متقابل آنها بر یکدیگر»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۱۲۴-۱۲۳، صص ۱۷۵-۱۷۲.
  - لشکری، محمد (۱۳۷۷)، «شاخص‌های رفاه اجتماعی»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۱۳۲-۱۳۱، صص ۲۲۱-۲۱۴.
  - لشکری، محمد (۱۳۷۸)، «نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۱۴۴-۱۴۳، صص ۲۳۱-۲۲۶.
  - لشکری، محمد (۱۳۸۴)، «بیکاری تعادلی: راهکاری برای به نظم کشیدن کارگران»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۲۰-۲۱۹.
  - لشکری، محمد (۱۳۸۴)، «بیکاری تعادلی: راهکاری برای به نظم کشیدن کارگران»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۲۰-۲۱۹، صص ۱۶۵-۱۶۲.
  - لشکری، محمد (۱۳۸۶)، **توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی**، ویرایش دوم، انتشارات کنکاش دانش.
  - مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، **بیست گفتار**، تهران: انتشارات صدرا.
  - همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۵)، **چهارده مقاله در ادبیات، اجتماع، فلسفه و اقتصاد**، چاپ دوم، نشر مرکز.
  - هندرسن، جیمز ام. و ریچارد ای. کوآنت (۱۳۷۰)، **تئوری اقتصاد خرد، رهیافت ریاضی**، ترجمه مسعود محمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.